

نقد و بررسی کتاب نامه‌های من و پاسخ‌های فرهنگستان

زهرا زندی‌مقدم (فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

سرمرستانی، جمشید، نامه‌های من و پاسخ‌های فرهنگستان: مجموعه نقدهای جمشید سرمرستانی به کتاب «دستور خط فارسی» فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نشر سرمرستان، تهران، ۱۳۹۴، ۲۵۱ صفحه.

یکی از موضوعات مهم و بحث‌انگیز که سال‌هاست فکر اهل قلم و محققان، به‌ویژه ویراستاران را به خود مشغول کرده مسئله خط فارسی است. از این رو درباره شیوه نگارش آن بسیار نوشته‌اند و گمان می‌رود از این پس هم بسیار بنویسند، به‌ویژه که امروزه با گسترش کاربرد رایانه، مسائل جدیدی هم درباره شیوه نگارش فارسی ظهور کرده که درباره آنها باید چاره‌ای اندیشید. جزوه دستور خط فارسی فرهنگستان، که با هدف جلوگیری از آشفتگی و تشتت موجود در شیوه نگارش فارسی و ضابطه‌مند و یکدست کردن خط و املا فارسی فراهم آمده و حاصل تلاش و جدیت اعضای محترم پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی و همکاری گروه دستور و رسم الخط زبان فارسی فرهنگستان است، تنها مرجع رسمی برای خط فارسی به شمار می‌رود. نخستین نسخه آن در سال ۱۳۸۱ و چاپ چهارم آن، همراه با افزوده‌ها، در سال ۱۳۸۵ منتشر شد و تاکنون بیش از یازده بار تجدید چاپ شده است. این

مرجع کوچک، با توجه به تنوع کاربران آن، به زبانی قابل درک برای تمامی آنها نوشته شده و برای بیشتر کاربران قابل فهم و کاربردی است و گامی مؤثر در یکسان‌سازی خط فارسی به شمار می‌رود. سرفصل‌های انتخاب‌شده برای دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان نسبتاً کامل‌اند و تا حد امکان مسائل اساسی نوشتار فارسی را شامل می‌شوند. با این حال، این جزوه برای کاربرد در سامانه‌های رایانه‌ای طراحی نشده است. این جزوه، به دلیل اهمیت خاصی که از نظر کاربرد در مراکز علمی، پژوهشی و آموزشی دارد، همواره در معرض نقد و بررسی علاقه‌مندان بوده و نظرات و پیشنهادهای را در پی داشته است. فرهنگستان نیز همواره پذیرای نقدها و پیشنهادات سازنده بوده است.

از جمله نقدهایی که درباره جزوه دستور خط فارسی فرهنگستان ارائه شده نظرات آقای جمشید سرمستانی است که به همراه پاسخ‌های فرهنگستان در قالب کتابی با عنوان نامه‌های من و پاسخ‌های فرهنگستان منتشر شده است.

به طور کلی، نقد جزوه دستور خط فارسی فرهنگستان دو ویژگی دارد: اولاً، میزان توجه و حساسیت مخاطب را نسبت به دستاوردهای فرهنگستان نشان می‌دهد؛ ثانیاً، برخی نقاط قوت و ضعف دستور خط فرهنگستان را آشکار می‌کند. بی‌تردید آگاهی از این ویژگی‌ها به رفع اشکالات و تکمیل این جزوه کمک خواهد کرد.

کتاب نامه‌های من و پاسخ‌های فرهنگستان حاوی ۲۵۶ صفحه و مشتمل بر فهرست مطالب و دو بخش با عنوان‌های «مقدمه و تاریخچه نامه‌ها» و «متن نامه‌ها» است، که هر یک از این بخش‌ها زیرمجموعه‌هایی دارد. همچنین در انتهای کتاب، فهرست کتاب‌های نشر سرمستان در قالب جدولی ارائه شده، سپس فعالیت‌هایی که در دوره‌های غیرحضور ویرایش در مؤسسه ویرایش سرآمدان صورت می‌گیرد معرفی گردیده است.

در بخش نخست، «مقدمه و تاریخچه نامه‌ها»، که نیمی از آن به معرفی مؤلف کتاب اختصاص دارد، به پرسش‌هایی از قبیل «مشکل چیست؟»، «نویسنده کیست؟»، «آثار نویسنده چیست؟»، «ایرادهای کتاب دستور خط فارسی چیست؟»، «تاریخچه نامه‌ها چیست؟» و «چاره چیست؟» پاسخ داده شده است.

بخش دوم، «متن نامه‌ها»، که حاوی مکاتبات آقای سرمستانی با فرهنگستان و بالعکس است، به سرفصل‌های زیر اختصاص دارد: نامه نخست نویسنده (خرداد ۱۳۸۷)؛ پاسخ نخست فرهنگستان (مهر ۱۳۸۸)؛ نامه دوم نویسنده پاسخ به نامه نخست فرهنگستان (اسفند ۱۳۸۸)؛ پاسخ فرهنگستان به نامه دوم نویسنده؛ نامه سوم نویسنده (تیر ۱۳۹۱)؛ ۱- نویسنده نامه، ۲- بیان مسئله، ۳- پیشینه خواسته: ۱-۳- نامه فرهنگستان، ۲-۳- پاسخ فرهنگستان، ۳-۳- پاسخ به «پاسخ فرهنگستان»، ۳-۴- پاسخ دوباره فرهنگستان، ۴- شرح خواسته، ۵- پیشنهاد: ۱-۵- پشتوانه پیشنهاد، ۲-۵- بیان پیشنهاد؛ کاستی‌ها و نادرستی‌های کتاب دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان: ۱- قاعده‌ها و نکات نانوشته (مسکوت مانده)، ۲- قاعده‌ها و نکات نادرست، ۳- قاعده‌ها و نکات دووجهی و غیرقطعی، ۴- قاعده‌ها و نکات ناهمخوان (متناقض)، ۵- نبود قاعده‌ای فراگیر برای همه ترکیب‌ها؛ مبحث واژه‌های مرکب کتاب دستور خط فارسی؛ نامه چهارم نویسنده: نامه پیگیری برای پاسخ (شهریور ۱۳۹۳)؛ نامه دوم فرهنگستان: پاسخ دوم به نامه‌های دوم و سوم نویسنده (شهریور ۱۳۹۳)؛ نامه پنجم نویسنده: خطاب به دکتر حداد عادل (آبان ۱۳۹۳)؛ نامه ششم نویسنده: پاسخ به نامه دوم فرهنگستان (آبان ۱۳۹۳)؛ پیوست نامه ششم: بندهای پاسخ داده نشده.

برخلاف آنچه مؤلف کتاب در صفحه ۱۲ اظهار کرده: «...ولی با وجود پیگیری‌های فراوان، پاسخی دریافت نکردم»، گروه دستور و رسم الخط زبان فارسی فرهنگستان به تمامی نامه‌های آقای سرمستانی، که در واقع تکرار همان پرسش‌های مطرح شده در نامه نخست ایشان بوده، پاسخ داده است. از این بابت هیچ قصوری از سوی فرهنگستان در پاسخگویی به نامه ایشان سر نزده و گله‌مندی ایشان از فرهنگستان دور از انتظار است. از آنجا که ایشان نشر سرمستان را در اختیار دارند، به راحتی می‌توانند کتاب‌هایی در زمینه دستور خط فارسی و نشانه‌های سجاوندی به چاپ برسانند. البته فرهنگستان از حسن نیت و علاقه ایشان سپاسگزار است.

اختلاف عمده میان جزوه دستور خط فارسی فرهنگستان و کتاب قواعد جامع املائی

فارسی (← منابع، سرمستانی ۱۳۹۰) اختلاف در مبنای تصمیم‌گیری یا، به گفته مؤلف، تفاوت در نحوه رویکرد فرهنگستان و آقای سرمستانی است، که تفاوت در نحوه تقسیم‌بندی ترکیبات و ملاک‌های ارائه‌شده را به دنبال داشته است. منظور از اختلاف در مبنای تصمیم‌گیری این است که به اعتقاد نگارنده کتاب، بدون در نظر گرفتن ماهیت خط فارسی، ذوق و سلیقه نویسندگان، و رعایت اعتدال و میانه‌روی، می‌بایست برای همه واژه‌ها قاعده قطعی ارائه کرد؛ در حالی که فرهنگستان، با در نظر گرفتن جوانب مختلف از جمله طبیعت خط فارسی و نیز به‌کارگیری اعتدال و میانه‌روی — آن‌گونه که در مقدمه جزوه دستور خط فارسی فرهنگستان علل این‌گونه تصمیم‌گیری به‌وضوح بیان شده، به تدوین قواعد جزوه مذکور همت گماشته است.

به اعتقاد مؤلف، همه واژه‌ها باید قاعده‌ای مشخص داشته و هیچ واژه‌ای بیش از یک شکل املائی نداشته باشد و در مجموع، جزوه دستور خط فرهنگستان باید از بنیان تغییر کند. در کتاب حاضر، ملاک اصلی تعیین رسم الخط واژه تعداد هجاهای آن است. البته فرهنگستان نیز این ملاک را، هرچند نه به‌طور فراگیر، در دستور خط اعمال نموده است: (۱) قاعده مربوط به «هم» (ص ۲۳، قاعده شماره ۲)؛ (۲) در بخش ترکیبات، در خصوص مرکب‌هایی که جزء دوم آنها با «آ» آغاز می‌شود و تک‌هجایی هستند (ص ۴۰، قاعده شماره ۴). اما در بسیاری موارد، صرف استفاده از تعداد هجاهای واژه ملاک مناسبی برای تعیین شکل صحیح املائی واژه نیست. از این رو، آقای سرمستانی، برای برخی واژه‌ها، ملاک «زشت شدن» را با توضیحاتی مفصل ارائه کرده است (← ص ۹۷-۱۰۶).

به طور کلی هر دو کتاب نویسنده محترم، شیوه‌نامه جامع ویرایش و نگارش و گزیده شیوه‌نامه جامع ویرایش و نگارش، خالی از اشکال نیست؛ حتی در برخی موارد مشکل‌آفرین هم هست. برای مثال، قواعد مربوط به فاصله‌گذاری در بخش ترکیبات کتاب شیوه‌نامه جامع ویرایش و نگارش ایشان^۱ و نیز جدول مفصل حاوی واژه‌های مرکب انتهای

۱. قاعده‌های کامل این مبحث در کتاب قواعد جامع املائی فارسی (ص ۱۷۹-۱۹۴) آمده است.

کتاب گزیده شیوه‌نامه جامع ویرایش و نگارش از جمله این قبیل اشکالات است. از ایرادهای دیگر دو اثر یاد شده تعدد استثنائات مربوط به برخی قواعد است که فراگیری و به خاطر سپردن آنها را برای خواننده دشوار می‌سازد؛ از آن جمله است استثنائات مربوط به قواعد ترکیبات پیوسته، که یکی از آن استثنائات مربوط به «ترکیب‌های زشت چسبان» است (شامل ۷ مورد به انضمام زیرمجموعه‌های آن ← ص ۹۷-۱۰۶). بنابراین دو کتاب مذکور نه تنها به سهولت استفاده از قواعد کمک نمی‌کنند بلکه برخی قواعد آن دست‌وپاگیر هم هست. قواعد مربوط به فاصله‌گذاری در ترکیبات که در زیر آمده مؤید این مدعاست:

ترکیب‌های دوجزئی

قاعده یکم: میان اجزای ترکیب‌های دوجزئی ده حرفی (ترکیب‌هایی که ده حرف یا کمتر داشته باشند) نیم‌فاصله (منظور نیم‌فاصله رایانه است): خیال‌پردازی، آرام‌بخش، حق‌کشی؛ و میان اجزای ترکیب‌های یازده حرفی (ترکیب‌هایی که یازده حرف یا بیشتر داشته باشند) یک فاصله می‌گذاریم: مستکبر ستیزی، قهرمان‌گرایی، کارکرد پذیری، مسئولیت‌پذیری، میکروپ‌زدایی (ص ۷۸ و ۷۹، ق ۱.۷، ش ۷)، یا نمونه‌هایی نظیر سریع‌الانتقال، کثیرالانتشار، امیرالمؤمنین، الکترومغناطیس (ص ۸۲، س ۲).

قاعده دوم: هرگاه یکی از دو حرف «س» یا «ش» در هر دو جزء باشد و حرف پایانی یک جزء جزو حرف‌های تخت (ب، پ، ت، ث) باشد، اگر ترکیب نه‌حرفی یا کمتر باشد، اجزای آن با نیم‌فاصله: مسرت‌بخش، بشردوست، پشت‌بسته، خوش‌مشرّب؛ و اگر ده‌حرفی یا بیشتر باشد، اجزای آن با یک فاصله از هم نوشته می‌شوند: مستضعف‌نشین، مستضعف‌پسند (ص ۸۲).

ترکیب‌های چندجزئی

قاعده یکم: ترکیب‌های چندجزئی جدا که هشت حرف یا کمتر داشته باشند با نیم‌فاصله از هم نوشته می‌شوند: نورپخش‌کن، آبرسردکن، نم‌خشک‌کن (ص ۸۲ و ۸۳، ش ۲.۷).

قاعده دوم: در ترکیب‌های چندجزئی جدا که بیش از هشت حرف داشته باشند، میان اجزای ده‌حرفی (و کمتر) که با هم یک ساژه دستوری (مانند اسم فاعل، اسم مفعول، عدد مرکب و...) می‌سازند یا با هم خوانده می‌شوند نیم‌فاصله، و میان این اجزا و جزء یا اجزای دیگر یک فاصله می‌گذاریم: خوش‌آب‌وهوا، ابرقدرت‌مآبان، خوش‌خط‌وخال، دست‌وپا چلفتی، غرقه به‌خون، دست‌وپا گیر، هیزم‌بیار معرکه، ازجان گذشته، دست‌ازجان شسته، چشم‌وگوش بسته، سردوگرم چشیده، جیغ‌وداد‌کنان.

در صورتی که کلیه نمونه‌های فوق یک عبارت واحد محسوب می‌شوند و با فاصله نوشتن آنها صحیح نمی‌باشد. بنابراین، صورت‌های زیر صحیح است: مستکبرستیزی، قهرمان‌گرایی، کارکردپذیری، مسئولیت‌پذیری، میکروبزداپی، سریع‌الانتقال، کثیرالانتشار، امیرالمؤمنین، الکترومغناطیس، خوش‌آب‌وهوا، ابرقدرت‌مآبان، خوش‌خط‌وخال، دست‌وپاچلفتی، غرقه‌به‌خون، دست‌وپاگیر، هیزم‌بیارمعرکه، ازجان‌گذشته، دست‌ازجان‌شسته، چشم‌وگوش‌بسته، سردوگرم‌چشیده، جیغ‌ودادکنان. دکتر مصطفی مقربی درباره این قبیل ترکیبات، در کتاب هرژه گفتار خود، چنین اظهار داشته است:

کلمات مرکبی (از دو یا چند کلمه، یا کلمه و پسوند) را که یا آخرین حرف جزء اول آنها در خط چسبیده نمی‌شود؛ یا در صورت پیوستن آنها به یکدیگر، شکلشان دراز یا پرنده‌اند می‌گردد، ناگزیر برای پرهیز از اشتباه، باید جدا از یکدیگر اما نزدیک به هم نوشت: پادروا، شکست‌ناپذیر، عقب‌نشینی، بی‌تربیت‌تر (نه به صورت با در هوا، شکستناپذیر، عقب‌نشینی، بی‌تربیت‌تر)، و: سرکارگر از بالای چوبست به زمین افتاد، مهندس کارخانه را ترک گفت (نه به صورت سرکارگر، یا مهندس کارخانه را ترک گفت) (مقربی ۱۳۷۵: ۲۸).

پاسخ مؤلف کتاب درباره فاصله‌گذاری این ترکیبات این است که این فاصله‌ها اشتباه حروف‌نگاری بوده و ارتباطی با قواعد مندرج در کتاب ندارد، حال آنکه قواعد فوق به وضوح عکس آن را نشان می‌دهد، بدین معنی که فواصل موجود در ترکیبات فوق دقیقاً بر مبنای قواعد ارائه شده است. البته ایشان در ص ۲۱۰ کتاب حاضر به این مسئله اشاره کرده که فرهنگستان، به جای پاسخ دادن به نقد نویسنده، به ایراد گرفتن از کتاب‌های وی (قواعد جامع املای فارسی یا گزیده شیوه‌نامه جامع ویرایش و نگارش) پرداخته است. در صفحه ۲۱۸ همان کتاب چنین آمده: «چرا ایراد گرفته‌اید؛ شما باید تنها به موارد مطرح شده پاسخ می‌دادید». به هر حال، فرهنگستان آن دسته از نکات یا پیشنهادات آقای سرمستانی را که منطقی و اصولی بوده در کارگروه بازنگری دستور خط فارسی فرهنگستان مطرح و در صورت پذیرش، برای تصویب نهایی، به شورای فرهنگستان تقدیم خواهد کرد؛ و این موارد، در صورت تصویب، اعمال خواهد شد. ولی اینکه کتاب شیوه‌نامه جامع ویرایش و نگارش جایگزین

کتاب دستور خط فارسی فرهنگستان شود منطقی به نظر نمی‌رسد؛ زیرا جایگزین چنین کتابی خود باید خالی از اشکال و نیز پاسخگوی نیازهای فوری مراجعان باشد؛ در حالی که در کتاب مذکور، ارائه قاعده برای تمامی واژه‌ها — و نه فقط برای مواردی که مورد بحث و اختلاف است — و نیز ارائه برخی استثنائات یا تعاریف برای برخی ملاک‌ها مانند ملاک «زشت‌چسبان» (ص ۹۷-۱۰۶) موجب اطناب شده است. در نتیجه، این کتاب نمی‌تواند، به عنوان یک الگوی راهنما، پاسخگوی نیازهای فوری مراجعان باشد. نویسنده محترم در صفحه ۲۴۴، ش ۴۹، ذیل عنوان «دگرنگری» نوشته‌اند:

از دقت فراوان فرهنگستان برای کشف ایرادهای تایپی نامه و کتاب خود بسیار سپاسگزارم؛ زیرا با آنکه این کتاب را بارها خوانده بودم، این ایرادها را به چشم ندیدم. البته ایراد تایپی در کتابی ۴۳۶ صفحه‌ای چیزی گریزناپذیر است که نباید محتوای کتاب را با آن زیر سؤال برد.

در اینجا، ابتدا به ایراداتی که مؤلف از جزوه دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان گرفته می‌پردازیم، سپس به اشکالات موجود در کتاب نامه‌های من و پاسخ‌های فرهنگستان نگاهی می‌افکنیم، و در انتها جمع‌بندی کلی خواهیم داشت. موارد مطرح‌شده در نامه آقای سرمستانی را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی و درباره آن اظهار نظر کرد:

الف) مواردی که در دستور خط فرهنگستان قاعده‌ای برای آن ارائه شده، ولی مؤلف به آن موارد توجه نکرده و آنها را بی‌قاعده دانسته است:

مؤلف: نبود قاعده برای واژه‌های مختوم به «ی» و «و» در حالت اضافه به یای نکره، مصدری و نسبی.

فرهنگستان: در صفحه ۲۷، جدول «یای نکره و مصدری و نسبی»، شیوه نوشتن «ی» پس از کلمه‌های پایان‌یافته به «ی» آمده است. برای مثال، کلمه‌های مختوم به «ای»، مانند «پی+ی ← پی‌ای»؛ و کلمه‌های مختوم به «ای»، مانند «کشتی+ی ← کشتی‌ای»؛ همچنین شیوه نوشتن «ی» پس از کلمه‌های پایان‌یافته به «و» با صدایی نظیر آنچه در «دانشجو» به کار رفته است: «دانشجو+ی ← دانشجویی». بنابراین واژه‌هایی چون نی، طوطی و بازی هم به

همین قیاس به صورت نی‌ای، طوطی‌ای، بازی‌ای نوشته می‌شوند.

این ایراد، در نامه نخست پاسخ داده شده بود، اما متأسفانه در نامه‌های بعدی هم تکرار شده است.

مؤلف: نبود قاعده برای کلمه‌های خلاً، ملاً، منشأ، ملجأ، متلائی هنگامی که «ی» به آنها افزوده شود (صفحه ۳۱، بند الف).
فرهنگستان: قاعده مربوط به مورد فوق در جزوه دستور خط فارسی فرهنگستان، ص ۳۱، تبصره ۲ آورده شده است.

ب) مواردی که توضیح آنها در مقدمه کتاب فرهنگ املائی خط فارسی فرهنگستان، برای استفاده سودمندتر و مراجعه آسان و دستیابی سریع مراجعه‌کننده به املائی صحیح واژه مورد نظر، آمده و یا در مدخل‌های فرهنگ املائی ارائه شده است:

مؤلف: شیوه نوشتن همزه میانی پس از «الف» بیان نشده است: جایز، مایل، کائنات، علائم...

فرهنگستان: در فرهنگ املائی خط فارسی، ص ۱۶، بند ۶ درخصوص شیوه نوشتن همزه میانی توضیح داده شده است.

مؤلف: مرکبی که دست‌کم یک جزء آن کاربرد مستقل نداشته باشد: غمخوار، رنگرز، کهربا (دستور خط فارسی، ص ۴۱، بند ۳). برابر بند ۶، ص ۴۰ دستور خط فارسی واژه «دار» به‌علت آنکه کاربرد مستقل ندارد پیوسته نوشته می‌شود، مانند پولدار، پاسدار، بالدار...

فرهنگستان: قاعده مربوط به مورد فوق در مقدمه فرهنگ املائی (ص ۱۸، ق ۹، کلماتی که جزء دوم آن بن مضارع فعل است) آورده شده است.

مؤلف: یک جزء از واژه‌های مرکب عدد باشد: پنج‌تن، هفت‌گنبد، هشت‌بهشت، نه‌فلک، ده‌چرخه تبصره: به استثنای عدد یک، که بسته به مورد و با توجه به قواعد دیگر، با هر دو املا صحیح است: یکسویه / یک‌سویه، یکشبهه / یک‌شبهه، یکسره / یک‌سره، یکپارچه / یک‌پارچه (دستور خط فارسی، ص ۴۲، تبصره بند ۸)

علت بیان‌شده در این بند برای پیوسته‌نویسی واژه‌های مرکب علت فراگیر و جامعی نیست؛ زیرا برخی از ترکیبات دیگر نیز که یک جزء آنها عدد است، چسبیده نوشته می‌شوند، مانند یکصد، هفتصد، (دره) پنجشیر، (شهر) هفتگل، و (پرنده) افسانه‌ای) سیمرخ.

فرهنگستان: بهتر است این مثال‌ها به عنوان استثنای بند ۸ آورده شود و یا قاعده به صورت زیر اصلاح گردد: ترکیبات ساخته‌شده با عدد جدا نوشته می‌شوند، مگر در اسامی خاص (مکان‌های جغرافیایی) و مواردی که عدد در معنی اصلی خود به کار نرفته باشد.

مؤلف: از آنجا که در تبصرهٔ مربوط به عدد «یک»، دربارهٔ عبارت «بسته به مورد و با توجه به قواعد دیگر»، توضیح روشنی ارائه نشده، این تبصره مبهم است و شیوهٔ خط این کلمه‌ها را مشخص نمی‌کند.

فرهنگستان: توضیح این قاعده در مقدمهٔ فرهنگ املائی خط فارسی، ص ۱۸، بند ۱۰ ارائه شده است.

مؤلف: شیوهٔ نگارش پسوندهایی که به صورت جدا نوشته می‌شوند، به جز آنهایی که در دستور خط آمده، ارائه نشده است.

فرهنگستان: به پسوندهای «بار» و «فام» در مقدمهٔ فرهنگ املائی اشاره شده و نمونه‌هایی از ترکیبات ساخته‌شده با پسوندهای «وش»، «بار»، «آگین»، «گانه»، «دان»، «گون» هم در مدخل‌های کتاب مذکور آمده است.

البته بهتر است توضیحات مندرج در مقدمهٔ فرهنگ املائی در جزوهٔ دستور خط هم آورده شود یا به نوعی، در دستور خط مصوّب، به مقدمهٔ فرهنگ املائی با قید مشخصات ارجاع داده شود تا ابهامات احتمالی برطرف گردد.

ج) انتخاب تنها یک صورت نگارشی برای واژه‌هایی که فرهنگستان دو صورت آنها را پذیرفته است: - «ها»ی پسوند جمع:

مؤلف: با توجه به اینکه افزون بر پنج مورد الزامی مندرج در بخش استثنایات مربوط به موارد متصل‌نویسی پسوند «ها»، مورد زیر را هم باید به آن افزود، که در این صورت موارد استثنا به شش مورد افزایش می‌یابد (ص ۲۳ و ۲۴): «ها»ی پسوند جمع پس از یای ساکن: خط‌مشی‌ها، زردپی‌ها، نی‌ها جدا نوشته شود، بهتر است صورت منفصل آن، که تقریباً بدون استثناست، پذیرفته شود.

فرهنگستان: البته برخی خلاف این نظر را دارند، برای مثال امید معجد، در کتاب خط فارسی و نقد آن، چنین آورده است: «اگرچه خط فارسی این توانایی را پذیرفته است که «ها» را هم متصل بنویسد هم منفصل و این امر از آثار قرن پنجم تاکنون دیده می‌شود ولی در اکثر

منابع مورد مطالعه، اتفاق نظر راجع به متصل‌نویسی «ها»ی جمع وجود دارد. چرا که «ها» کلمه مستقل نیست و به همراه کلمه قبل از خود جمعاً تشکیل یک کلمه می‌دهد و در اصطلاح زبان‌شناسان نکواژ چسبان است، «...» (مجد ۱۳۸۴: ۳۹). به هر حال پیشنهاد مؤلف کتاب، به دلیل کم‌شدن استثنائات، قابل تأمل است.

- «ابن و بن»:

مؤلف: در دستور خط فرهنگستان، ص ۲۲، هر دو صورت، زمانی که بین دو علم واقع شود، صحیح است.

اما مؤلف قاعده زیر را ارائه کرده است:

هرگاه واژه «ابن» در آغاز واژه دیگر قرار گیرد، «الف» آن حذف نمی‌شود: ابن ابی‌الحدید، ابن سینا، ابن عربی، ابن عباس؛ ولی هرگاه بین دو اسم خاص قرار بگیرد، «الف» آن حذف می‌شود: حسین بن علی، محمد بن علی، محمد بن زکریای رازی (سرمستانی ۱۳۹۰: ۱۳۴).
فرهنگستان: این پیشنهاد شایسته بررسی است.

- «بسمه تعالی و باسمه تعالی»:

آقای سرمستانی املاي بدون «الف» آن را صحیح می‌داند، زیرا به اعتقاد ایشان صورت «باسم ربک» فقط در یک جای قرآن (سوره واقعه، آیه ۷۴) آمده و موارد دیگری با این صورت در قرآن کریم وجود ندارد؛ ولی صورت «بسم الله» در ۱۱۵ جای قرآن کریم (در آغاز ۱۱۱ سوره، در آغاز و آیه ۳۰ سوره نمل، و در آغاز و آیه ۴۱ سوره هود) آمده است.

برخلاف نظر ایشان، برخی صاحب‌نظران دیگر از دو املاي «باسمه تعالی» و «بسمه تعالی» صورت اول را صحیح و مرجح دانسته‌اند و برای آن دلایلی ارائه کرده‌اند؛ از آن جمله‌اند آقای سرتیپ غلامرضا زندیان، مسئول وقت و دبیر دفتر واژه‌گزینی نظامی فرهنگستان، که چند سال پیش، در نامه‌ای که درباره دستور خط فارسی برای فرهنگستان ارسال کرده بودند، تحقیقی کوتاه در زمینه این دو املا ارسال کردند که در اینجا به اختصار به آن اشاره می‌شود. وی، برای اثبات نظر خود، به منابع زیر استناد کرده است:

(۱) قرآن مجید؛

(۲) معجم‌های مختلفی که تاکنون بر قرآن کریم نوشته‌اند و از میان آنها به دقیق‌ترین آن

یعنی المعجم الاحصایی لالفاظ القرآن الکریم تألیف دکتر محمود روحانی استناد کرده است. در جلد دوم این معجم (ص ۱۵۳ و ۱۵۴) به شمارش اَسْم، بِسْم، اَسْمُهُ در باب همزه اختصاص دارد که بر مبنای آن، آنجا که «بسم» را مطرح می‌کند اولاً آن را در باب همزه آورده و ثانیاً در بین دو هلال (اَسْم) می‌نویسد، یعنی در اصل «باسم» بوده است. نتیجه آنکه در ترکیب «باء جر» و پسوند نام جلاله «الله»، همزه وصل، علاوه بر تلفظ، در نگارش نیز ساقط می‌شود، منتها مثل لفظ جلاله «الله» به شکل یک حالت استثنائی، در غیر این صورت، همزه گرچه وصل باشد، نوشته می‌شود ولی خوانده نمی‌شود. وی، در ادامه، به نمونه‌های زیر اشاره کرده است: «ذُکِرَ اَسْمُ اللهِ» (سوره انعام: آیه‌های ۱۱۸ و ۱۱۹)؛ «لَمْ یُذْکِرِ اَسْمُ اللهِ» (همان: آیه ۱۲۱)؛ «لَا یُذْکِرُونَ اَسْمُ اللهِ» (همان: آیه ۱۳۸) و در سایر موارد مثلاً در سوره علق، آیه ۱ «بِسْمِ رَبِّكَ الَّذِی خَلَقَ» آمده است. نتیجه اینکه اگر به جای ضمیر «ه» که به رب برمی‌گردد قرار گیرد، «باسمه» نوشته می‌شود؛

۳) کتاب قِیم نهج البلاغه و معجم‌های مختلفی که مؤلفان صاحب‌نام بر آنها نوشته‌اند و نیز نهج البلاغه فیض الاسلام. در این نهج البلاغه‌ها لفظ «بِسْمِهِ» بعینه در خطبه‌های ۱۸۵ و ۱۹۲ و در نهج البلاغه فیض، خطبه ۲۳۴ و ۲۲۷، قطعه‌های ۵۳ و ۲۲ نوشته شده است؛

۴) کتب ادعیه از جمله کتاب مفاتیح الجنان، در دعاهاى مأثور مشهور مانند کمیل، سمات، عشرات، جوشن کبیر و دعاهاى ماه مبارک رمضان همه جا «باسم» نوشته شده است. وی یادآور می‌شود که ترکیب «باسمه‌تعالی» و «بسمه‌تعالی» در قرآن مجید، نهج البلاغه و دعاهاى صادره از معصومان مثل دعاهاى صحیفه سجاده دیده نشده است. هرچند عبارت صحیح است، ولی مشکل می‌توان اثبات کرد که از معصوم صادر شده باشد.

در این تحقیق، افزون بر منابع فوق، به منابع دیگری استناد شده است؛ از جمله کتاب غلط نویسیم تألیف استاد ابوالحسن نجفی (صفحه ۵۷)، که در آن، ذیل «باسمه‌تعالی» چنین آمده است: «املاى این ترکیب به همین صورت درست است. غالباً آن را به صورت 'بسمه‌تعالی' می‌نویسند و صحیح نیست». همچنین مرحوم دکتر معین، در فرهنگ فارسی (ج ۴، ص ۴۴) در بخش ترکیبات خارجی، صراحتاً رسم‌الخط متداول «بسمه‌تعالی» را نادرست و املاى

صحیح آن را «باسمه‌تعالی» دانسته است.

فرهنگستان: با توجه به اینکه در این مورد اتفاق نظر وجود ندارد و هر دو صورت با «الف» و بدون «الف» آن در قرآن آمده، فرهنگستان هر دو را جایز دانسته است.

د) پیشنهاد

- افزودن برخی موارد به استثنائات مندرج در دستور خط فرهنگستان

مؤلف: واژه «نشأت» (ص ۳۰، بند ج) به استثنائات مربوط به همزه میانی افزوده شود.
فرهنگستان: براساس قاعده مندرج در دستور خط فارسی (ص ۳۰)، در آخرین قاعده مربوط به همزه میانی، شکل «نشئت» به این صورت پذیرفته شده و نیز در جدول راهنمای همزه (ص ۳۴) در ستون مربوط به کرسی «ی» آمده است.
«پیش از مصوت کوتاه A (فتحه): ... هیت، جرئت، نشئت ...، در کلمات خارجی نیز همزه مفتوح به همین طریق نوشته می‌شود: ... ماه ژوئن، پنگوئن» (مقربی ۱۳۷۵).
مؤلف: واژه «یکسان» (ص ۴۰) به استثنائات مربوط به ترکیبات ساخته شده با عدد «یک» افزوده شود.

فرهنگستان: در مقدمه فرهنگ املائی (ص ۱۸، بند ۱۰)، در این باره توضیحات کامل ارائه شده و به هر دو صورت (جدا و پیوسته، ص ۶۵۶) پذیرفته شده است، ولی صورت پیوسته آن که با علامت ویرگول مشخص شده مرجح است.
مصطفی مقربی در کتاب خود با عنوان هرزده گفتار در مورد ترکیبات ساخته شده با عدد «یک» چنین بیان داشته است: «'یک'، در ترکیب، جدا از جزء پس از خود نوشته می‌شود. استثنا: یکتا، یکجا، یکدست، یکدفعه، یکدیگر، یکران، یکرنگ، یکرو، یکسان، یکسره، یکسو، یکشنبه، یکنواخت» (مقربی ۱۳۷۵: ۲۰۵).

ه) ارائه قاعده برای مواردی که در دستور خط بی قاعده دانسته شده‌اند:

مؤلف: در صفحه ۴۰، تبصره بند ۲، پسوند «وار» از نظر پیوسته یا جدانویسی، بی قاعده دانسته شده است، ولی در دستور خط نباید چیزی بی قاعده بماند.

از این رو، قاعده زیر را پیشنهاد کرده است:

پسوندد «وار» در همه جا — در کلمه‌های دوهجایی و چندهجایی — به جز در کلمه‌های بزرگوار، خانوار و سوگوار جدا نوشته می‌شود: مس‌وار، جهش‌وار، خصم‌وار، رعیت‌وار، حلال‌وار، مست‌وار...
فرهنگستان: خسرو کشانی، در کتاب خود با عنوان اشتقاق پسوندی در زبان فارسی امروز (۱۳۷۱: ۴۱-۴۲)، صورت‌های متصل این پسوند را به صورت زیر بیان داشته است: ماهوار، سوگوار، بزرگوار (چه به عنوان اسم و چه به عنوان قید)، گوشوار، دستوار (در ترکیب با اسم اعضای بدن که اسم آلت می‌سازد)، مشتقات عیالوار و خانوار، که از واژگان زبان گفتاری‌اند، ساختارهای گنگ به شمار می‌روند.

امید مجدد در خط فارسی و نقد آن، درباره ترکیبات ساخته‌شده با پسوند «وار» چنین بیان داشته است: «برخلاف فرهنگستان که قاعده‌ای در این کلمات نمی‌یابد اتفاقاً قاعده‌ای وجود دارد و آن چیزی نیست جز همان قاعده یک‌معنایی. در لغت طوطی‌وار ذهن دو چیز را مجسم می‌کند و قادر به تمکیک اجزای ترکیب است...» (مجدد ۱۳۸۴: ۶۰). به هر حال، پیشنهاد آقای سرمستانی هم بد نیست.

مؤلف: بی‌قاعده دانستن کلمه‌های مرکبی که جزء دوم آنها با «آ» آغاز می‌شود و بیش از یک هجا دارد (ص ۴۰، تبصره بند ۴)، گاهی پیوسته نوشته می‌شود، مانند دلاویز، پیشاهنگ، بسامد و گاهی جدا، مانند دانش‌آموز، دل‌آگاه، زبان‌آور با عنوان کتاب دستور خط فارسی در تعارض است؛ زیرا دستور خط باید برای نوشتن همه کلمه‌ها قاعده داشته باشد.

فرهنگستان: مؤلف در کتاب خود، ص ۱۳۰-۱۳۱، قواعد مربوط به ترکیب‌های «آ دار» را به شرح زیر ارائه کرده است:

ترکیب‌های «آ دار» چندهجایی جدا نوشته می‌شوند (اصل استقلال و اصل فراگیری):
اخم‌آلود، اشک‌آلود، پی‌آمد، پیش‌آمد، پیش‌آهنگ، خوش‌آمد، خوش‌آیند، به جز ترکیب‌های کم‌شده: اخمالو (اخم‌آلود)، خوابالو (خواب‌آلود)، خرمالو (خرمالو)؛ ترکیب‌های بسیط‌گونه: دلاور، سفیداب، سپیداب، هماهنگ؛ واژه‌هایی که با صورت نوشتاری چسبیده ساخته شده‌اند: نکاور، همایش، نوشابه، گرمابه، گردهمایی.

فرهنگستان: فرهنگستان واژه‌هایی نظیر پیامد، پیشامد، پیشاهنگ، خوشامد، خوشایند را از این جهت که مفهوم اسمی دارند نه فعلی و در واقع به صورت یک واحد مستقل درآمده‌اند به همین صورت پذیرفته است. این واژه‌ها در فرهنگ املائی به صورت متصل آمده‌اند.

در زیر به آرای برخی از صاحب‌نظران اشاره شده که تقریباً با نظر فرهنگستان همسوست.

فعل‌های مرکب، چه به صورت مصدری مختوم به «ن» آنها، چه به صورت فعلی آنها، از این قاعده مستثناست: نگاه داشتن (او را در خانه نگاه داشت)، بزرگ داشتن (او را بزرگ داشتند). اما صورت‌های اسمی و وصفی مشتق از آنها باید به هم پیوسته نوشته شود: نگاهداشت (در نگاهداشت این امانت بکوش)، بزرگداشت، نگاهداشته و... (مقربى، ۱۳۷۵: ۲۸، پانویشت)

مصادر مرکب گسسته‌اند ولی در مورد مصدرهای مرکب مرخم که غالباً به صورت اسم به کار می‌رود، مانند پیشرفت، بزرگداشت، چشمداشت و گرامیداشت، این قاعده صادق نیست. (یاحقى و ناصح ۱۳۷۴: ۶۲)

وجود مد و همزه در ابتدای ترکیب دوم بر اثر کثرت استعمال، تحت تأثیر اصل یک‌معنایی درآمده و به صورت پیوسته نوشته می‌شود مانند پیشاهنگ، دلارام، دستاویز (مجذ ۱۳۸۴، ص ۵۵).

و) نبود تعریف برای برخی ملاک‌های مندرج در دستور خط فارسی

مؤلف: در دستور خط فارسی، برای ملاک‌هایی چون «نامأنوس بودن»، «طولانی بودن»، «بسیط‌گونه بودن» تعریف معینی ارائه نشده است. برای «طولانی و پردندانه بودن» ارائه ملاک آسان است؛ می‌توان مشخص کرد که کلمه با چند دندانه، پردندانه و یا با چسبیدن چند حرف به هم طولانی محسوب می‌شود. اما «نامأنوس بودن» ملاکی است که تعیین دقیق آن امکان‌پذیر نیست، بنابراین باید به ملاک دیگری متوسل شد.

فرهنگستان: در دستور خط فارسی مصوب فرهنگستان، در مورد ملاک «بسیط‌گونه» تعریفی ارائه شده به شرح زیر: معنای آن متشکل از معانی اجزای آن نباشد. بهتر است به این ملاک تعریف زیر افزوده شود: واژه‌های مرکبی که در شم اهل زبان جدپذیر نباشند. در مورد دو ملاک «طولانی و پردندانه شدن» می‌توان تعریف مشخصی ارائه کرد، چنان‌که در مورد پسوند «ها»ی جمع بیش از سه دندانه، پردندانه محسوب شده است، اما «نامأنوس بودن»، همان‌گونه که مؤلف محترم هم به آن اشاره کرده‌اند، ملاکی است که تعیین دقیق آن امکان‌پذیر نیست، بنابراین باید به ملاک دیگری متوسل شد.

مؤلف: در دستور خط فرهنگستان، ص ۴۰، بند ۳، کلمه‌های نیشکر، رختخواب، یکشنبه، پنجشنبه و هفتصد بسیط‌گونه دانسته شده است، در حالی که هیچ‌یک از این ترکیب‌ها بسیط‌گونه نیستند.

فرهنگستان: واژه‌های یکشنبه و پنجشنبه به معنای یک‌عدد شنبه یا پنج‌عدد شنبه نیست. بنابراین، این واژه‌ها به صورت یک واحد مستقل درآمده‌اند و معنای آنها متشکل از معنای اجزای آنها نیست. بنابراین، بسیط‌گونه محسوب می‌شوند. کلمه‌های نیشکر و هفتصد هم در اثر کثرت استعمال به این شکل نهادینه شده‌اند.

برخی صاحب‌نظران نظیر یاحقی و ناصح در مورد اعداد هفتصد و نظایر آن، در کتاب خود با عنوان راهنمای نگارش و ویرایش، چنین اظهار داشته‌اند: «اجزای برخی از اعداد مرکب به صورت پیوسته نوشته می‌شود، مانند هفده، سیصد، ششصد، هفتصد، هشتصد، نهصد» (یاحقی و ناصح ۱۳۷۴: ۵۶).

امید مجد، در کتاب دستور خط و نقد آن، ترکیب‌های هفتصد و یکشنبه و بیستگانی را مرکب‌های بسیط‌گونه دانسته است (مجد ۱۳۸۴: ۴۳).

مؤلف: در تلفظ، ظاهر شدن یا نشدن همزه حرف «آ» ملاک معین و قطعی نیست: مدخل «هم» هم‌آرزو، هم‌آرمان.

فرهنگستان: در کتاب قواعد جامع املائی فارسی (سرمستانی ۱۳۹۰: ۱۳۰-۱۳۱)، علت، چندهجایی بودن واژه اعلام شده است، در صورتی که صورت‌های دیگری نظیر گردهمایی، پیامد، پیشامد، خوشامدگویی، خوشایند بیش از یک هجا دارند، اما به دلیل تلفظ نشدن همزه حرف «آ» و نیز به دلیل اینکه مفهوم اسمی دارند نه فعلی، به صورت متصل نوشته شده‌اند.

ز) اصلاح قواعدی که به طور موردی به آنها اشاره شده است:

مؤلف: مرکب‌هایی که جدانویسی آنها التباس یا ابهام معنایی ایجاد کند: بهیار (به‌یار)، بهروز (به‌روز). مثال‌ها خوب است، ولی حتی اگر التباس هم ایجاد نکنند باید چسبیده نوشته شوند (ص ۷۴-۷۵)، مواردی نظیر بهگزین، بهگویی، بهسوز.

فرهنگستان: این نظر قابل تأمل است. در مورد ترکیبات «به‌دار» ساخته شده با بن فعل شاید بتوان چنین استدلال کرد: در صورتی که پیشوند «به» با بن مضارع هم‌نشین شود، به صورت متصل و چنانچه با بن ماضی هم‌نشین گردد، منفصل نوشته می‌شود: در حالت اول، «به» در تقابل با «بد» قرار می‌گیرد، در صورتی که در ترکیب دوم، می‌توان معادل «بد» را با آن جایگزین ساخت: بهساز ≠ بدساز، بهساخته = بدساخته.

مؤلف: برخی مثال‌ها برای کاربرد مجازی داده شده، ولی در کاربردهای حقیقی مفهوم دیگری دارند. کلمه‌های بیچاره، بینوا، بیجا، هرچند در کاربردهای مجازی بسیط‌گونه هستند، برخلاف آنچه در قاعده گفته شده، در کاربردهای حقیقی دقیقاً مرگب از اجزای معانی خود می‌باشند و این دلیل که مرگب از اجزای معانی خود نیستند درباره این کلمه‌ها - به‌طور مطلق - مصداق ندارد و «بی» باید جدا نوشته شود. پس این کلمه‌ها نیز همانند کلمه‌های دیگری که جزء نخست آنها «بی» است باید جدا نوشته شوند. (ص ۲۲ و ۲۳)

فرهنگستان: از آنجا که واژه‌هایی چون بیچاره، بینوا، بیجا در تقابل با باچاره، با نوا و باجا نیستند، بسیط‌گونه‌اند و دارای استقلال می‌باشند.

در برخی کتاب‌های آیین نگارش، برخی واژه‌های ساخته شده با «بی»، بدون بیان علت مستثنا شده‌اند؛ اما به نظر می‌رسد که آنها به دلیل اینکه در شم اهل زبان قابل تفکیک نیستند، مستثنا شده‌اند. برای مثال، مصطفی مقربی در کتاب هژده گفتار خود، قاعده مربوط به «بی» را به صورت زیر بیان کرده است: «بی جدا از جزء پس از خود نوشته می‌شود؛ استثنا: بیزار، بیجا، بیخود، بیداد، بیره، بیگانه» (مقربی ۱۳۷۵: ۲۰۴). و یا احمد سمیعی (گیلانی) در کتاب نگارش و ویرایش این قاعده را دقیقاً به همین صورت بیان کرده است (← سمیعی گیلانی ۱۳۹۰: ص ۲۰۴).

البته برخی هم، مانند خسرو فرشیدورد (۱۳۷۵: ۱۱)، با استفاده از مقولات نحوی، قاعده مربوط به «بی» را بیان کرده‌اند: در مواقعی که صفت‌ساز است، گاهی به اسم پس از خود می‌پیوندد و گاهی جدا از آن ولی بدون فاصله نوشته می‌شود؛ مانند بیزار، بیچاره، بیگانه، بینوا، بی‌کس، بی‌رحم. اما اگر در گروه‌های قیدی به کار رود، به دلیل اینکه حرف اضافه است، همیشه جدا و با فاصله از اسم پس از خود (متمم) نوشته می‌شود: بی تو هرگز!؛ بی همگان بسر شود/ بی تو بسر نمی‌شود (سعدی).

مؤلف: پیوسته‌نویسی کلمه‌هایی مانند همصنف و همصوت موجب دشوارخوانی نمی‌شود، بلکه گنجانده شدن دو حرف قوس‌دار «ه» و «ص» در یک لخت موجب زشت شدن کلمه می‌شود. «همتیم» به خاطر آنکه یک جزء آن بیگانه است باید جدا نوشته شود.

فرهنگستان: یکی از استثنائات ترکیب‌های پیوسته که در کتاب قواعد جامع املائی فارسی

(ص ۹۷-۱۰۶) معرفی شده ملاک «زشت شدن واژه» است. اصل زیبایی و زشت شدن علمی نیست بلکه برساخته خود مؤلف است که در یک بحث علمی جایگاهی ندارد. اما حتی با پذیرش این مطلب، صورت‌هایی چون سستعهد، سختپشت، سستمهر و نظایر آن، که در ص ۹۸ کتاب مذکور آمده، خود نمونه‌های نازیبایی و زشتی است که موجب دشوارخوانی نیز می‌شود. مؤلف: در صفحه ۳۱، صورت نوشتن کلمه «منشأ» پس از افزودن «ی» به آن (یعنی «منشائی») نادرست است، زیرا حرف «الف» در خواندن نادیده گرفته شده است. برای پرهیز از نادرست‌خوانی باید به صورت «منشئی» نوشته شود.

فرهنگستان: در جزوه دستورخط فارسی، ص ۳۱، همزه پایانی تبصره ۲ چنین آمده است: هرگاه همزه پایانی ماقبل ساکن (بدون کرسی) یا همزه پایانی ماقبل مفتوح (با کرسی «ا») و یا همزه پایانی ماقبل مضموم (با کرسی «و») به یای وحدت یا نکره متصل شود، کرسی «پ»، یا دندانه، می‌گیرد و در مورد اخیر کرسی قبلی آن نیز حفظ می‌شود: جزئی، شیئی، منشائی، لؤلویی.

شایان ذکر است در نوشتن یای نکره پس از همزه‌ای که کرسی آن الف است (خلاً، مبدأ، منشأ + ی) دو صورت دیگر هم گفته شده:

الف) دکتر ادیب‌سلطانی (۱۳۷۸: ۱۹۲) و استاد سمیعی گیلانی (۱۳۷۹: ۲۰۹) تنها الحاق «ی» را به اصل کلمه — بدون هیچ تغییری — درست می‌دانند:

منشأ ← منشائی

خلاً ← خلأی

ب) دکتر نیساری (۱۳۷۴: ۲۶۵) و دکتر غلامحسین‌زاده (۱۳۷۹: ۱۴۴) ابدال کرسی همزه را از الف به «پ» درست می‌دانند: منشئی، خلئی، مبدئی. دکتر ادیب‌سلطانی به این شیوه نیز اشاره کرده است (← ادیب‌سلطانی ۱۳۷۸: ۱۹۲).

به هر حال در صورت الف شکل اصلی کلمه منشأ حفظ می‌شود. حال آنکه در صورت «ب» شکل اصلی کلمه «منشأ» مخدوش می‌شود. بنابراین، صورت «الف» منطقی‌تر به نظر می‌رسد.

مؤلف: در صفحه ۴۱ در بند ۱ (یکی از موارد جدانویسی کلمات مرکب) چنین آمده است: ترکیبات اضافی (شامل موصوف و صفت و مضاف و مضاف‌الیه): دست‌کم، شورای‌عالی، حاصل‌ضرب، صرف‌نظر، سیب‌زمینی، آب‌میوه، آب‌لیمو.

علت بیان‌شده در بند ۱ برای جدانویسی کلمات مرکب علت درستی نیست، زیرا ترکیبات اضافی فراوانی هستند که همین شرط را دارند، ولی پیوسته نوشته می‌شوند (مانند یخچال، لبخند، آبرو، شبنم، ماهرخ، شاهراه، شاهپور، کامران و...)

علت اصلی جدا بودن این نوع کلمه‌ها چندهجایی بودن آنهاست و علت پیوسته‌نویسی مثال‌هایی نیز که در بالا در پراکنش آورده شده، دوهجایی بودن آنهاست.

فرهنگستان: واژه‌هایی نظیر یخچال، آبرو، شبنم بسیط‌گونه هستند و به صورت یک واحد مستقل نهادینه شده‌اند و صرفاً به خاطر دوهجایی بودن نیست که متصل نوشته می‌شوند.

امید مجد، در کتاب خط فارسی و نقد آن، درباره ترکیب‌های اضافی چنین اظهار داشته است: «دو کلمه آب لیمو و آب میوه که در مثال‌های مذکور آمده حکم ترکیب نداشته و در ذهن مردم به صورت کلمه بسیط درآمده‌اند و لذا باید پیوسته نوشته شوند» (مجد ۱۳۸۴: ۴۲).

مؤلف: در صفحه ۴۲ تبصره بند ۹، مثال‌های تشنگان، خفتگان، هفتگی و بچگی مربوط به مبحث ترکیبات نیست، زیرا این کلمه‌ها جزء ترکیبات نیستند، بلکه فقط «ان» جمع و «ی» نسبت با واسطه «گ» میانجی به آنها افزوده شده است. این کلمه‌ها باید در مدخل خود آورده و بحث شوند.

فرهنگستان: این واژه‌ها در مدخل خود توضیح داده شده‌اند. هفتگی و بچگی در بخش یای نکره، نسبی و مصدری (ص ۲۷، پانوش ۱) توضیح داده شده است. این مورد بیشتر جنبه یادآوری دارد و زیرمجموعه قواعد نیست.

مؤلف: در صفحه ۴۲، بند ۱۲، یکی از موارد الزامی جدانویسی کلمه‌های مرکب به شکل زیر بیان شده است: «هنگامی که یک جزء کلمه مرکب صفت مفعولی یا صفت فاعلی باشد؛ مانند اجل‌رسیده، نمک‌پرورده، اخلاص‌کننده، پاک‌کننده».

علت بیان‌شده برای جدانویسی کلمه‌های مرکب، علت درستی نیست، زیرا کلمه‌های مرکب دیگری نیز هستند که یک جزء آنها صفت فاعلی یا صفت مفعولی است ولی پیوسته نوشته می‌شوند؛ مانند کامران، نامجو...؛ و دستباف، دستچین، دستدوز و... .

فرهنگستان: در دستور خط فارسی فرهنگستان، ص ۴۲، ق ۱۲، فقط به مرکب‌هایی اشاره شده که یک جزء آنها صفت فاعلی یا صفت مفعولی است و از صورت‌های مرخم آنها صحبتی به میان نیامده است.

مؤلف: در خصوص کلمه‌هایی مانند پرتو آفتاب/ پرتوی آفتاب، صورت نخست صحیح است، اما با این حال، در صفحه ۱۴۷ کتاب قواعد جامع املائی فارسی چنین آمده: به مصوت

مرکب «او»، در حالت اضافه و موصوف و صفت چیزی نمی‌افزاییم: دو مارتون، پرتو آفتاب...
استثنا: مگر هنگامی که در گفتار «ی» به آن افزوده شود: خودروی اداره، تابلوی عبور ممنوع...
فرهنگستان: در صفحه ۲۸ جزوه دستور خط فارسی فرهنگستان چنین آمده: کلماتی مانند
رهرو، پرتو، جلو، در حالت مضاف، گاهی با صامت میانجی «ی» می‌آید، مانند پرتوی آفتاب و
گاهی بدون آن، مانند پرتو آفتاب. آوردن یا نیاوردن صامت میانجی «ی» تابع تلفظ خواهد بود.
به گفته مؤلف، اگر تلفظ واژه‌ای ثابت و مورد اتفاق باشد، می‌تواند ملاک تعیین شکل درست
واژه باشد، ولی اگر چنین نباشد نمی‌تواند. بنا به نظر دکتر مقربی، بعضی واژه‌ها، برحسب
تلفظ، دوگونه پیدا می‌کنند.

استفاده از ملاک تلفظ پس از کلمات مختوم به *u*، *a* و *o* (از جمله *o* ی بدل از *ow*)، زیر
صامت میانجی <ی>:

خدای مهربان، بوی گل، رادیوی ارزان؛

هردوی شما، جلوی مدرسه، گدای محله، بازوی توانا.

تبصره - صورت نوشتاری کلمات مختوم به *ow* که دارای گونه مختوم به *o* نیز هستند،

برحسب تلفظ، دوگونه پیدا می‌کند: جلو/جلوی؛ رهرو/رهروی. (مقربی ۱۳۷۵: ۲۰۷)

امید مجدد، در کتاب خط فارسی و نقد آن، چنین بیان داشته است: «کلماتی که از
زبان‌های انگلیسی و فرانسوی آمده‌اند، مانند رادیو، چون هنگام تلفظ معلوم نیست که به «و»
ختم می‌شود یا «او»، لذا در این حالت، می‌توان «ی» را به عنوان صامت میانجی آورد مانند
رادیوی دومیچ، پژوی سفید، فراندوی فوتبالیست و...» (مجدد ۱۳۸۴: ۴۱).

در کتاب حاضر اشکالات زیر مشاهده می‌شود:

— گذاشتن نام کتاب در گیومه، در حالی که باید ایرانیک شود: روی جلد و داخل متن
اصلی (ص ۶۸، توضیح).

— موارد مغایر با مصوّبات فرهنگستان، که مهم‌ترین آنها به شرح زیر است:

استفاده از «ی» به جای یای کوتاه شده («ء»)، در واژه‌های مختوم به های غیرملفوظ، در حالت اضافه

نامه‌ی شما ← نامه شما (ص ۶۷، توضیح، پ ۱، س ۶)

این، آن

این جا ← اینجا (ص ۶۷)

آن جا ← آنجا (ص ۶۷)

آن که ← آنکه (ص ۶۸، توضیح)

تر و ترین

بیش تر ← بیشتر (ص ۶۷)

چه

چه گونه ← چگونه (ص ۸۸، پاسخ ۲۱ نویسنده، س ۳)

چه گونگی ← چگونگی (ص ۸۸، پاسخ ۲۱ نویسنده، س ۳)

هم

هم چنان که ← همچنان که (ص ۹۷، ش ۱۶، س ۳)

هم چنین ← همچنین (ص ۹۷، پاسخ ۳۳، بند ۲، س ۱)

منفصل به جای متصل و بالعکس

یک دیگر ← یکدیگر (ص ۱۰۱، پاسخ ۳۷، س ۱)

پی روی ← پیروی (ص ۱۱۰، پاراگراف ۱، س ۴)

انشاء... ← ان شاء... (ص ۱۱۴، پاسخ ۴۸ نویسنده، س ۱)

سپاس گزارم ← سپاسگزارم (ص ۱۱۷، پاسخ ۵۲ نویسنده، س ۱)

همزه میانی

مسأله ← مسئله (ص ۱۴۵، بند ۲، عنوان)

صورت‌های متصل فعل «بودن»

- واژه‌های مختوم به صامت متصل (سوم شخص جمع):

عبارتند از ← عبارت‌اند از (ص ۱۳۵، پاراگراف ۲، س ۲)

از قلم افتادگی

هر یک از مطالبی که پس از مقدمه‌ی این نامه نویسنده آمده، ... ← هر یک از مطالبی که پس از مقدمه‌ی این نامه نویسنده آمده، ... (ص ۶۸)

عدم رعایت فاصله‌گذاری در ترکیبات

حروف چینی ← حروف چینی (ص ۶۸)
همه‌ی شماره صفحه‌های داده شده از کتاب ... ← همه‌ی شماره صفحه‌های داده شده از کتاب ... (ص ۶۸، توضیح)
موارد مطرح شده ← موارد مطرح شده (ص ۶۸، توضیح)

عدم رعایت فاصله‌گذاری بعد از نشانه‌های سجاوندی

نامه پنجم نویسنده: خطاب به دکتر حداد عادل، آبان ۱۳۹۳ ← نامه پنجم نویسنده: خطاب به دکتر حداد عادل، آبان ۱۳۹۳ (ص ۹۶)
(۲) نوشته‌های فرهنگستان ← (۲) نوشته‌های فرهنگستان (ص ۶۸، توضیح)

شکسته شدن واژه‌ها

در

این باره ← در این باره (ص ۹، پ ۱، س ۵ و ۶)

پراکنده

نویسی ← پراکنده نویسی (ص ۹، پ ۲، س ۳ و ۴)

اشتباهات حروف نگاری

ارجاع‌های فرهنگستان ← ارجاع‌های فرهنگستان (ص ۶۷)
الزمی ← الزامی (ص ۵۳، بند ۱۰، س ۱)
داری ← دارای (ص ۷۹، بند ۴، س ۴)
ویژگی ← ویژگی (ص ۱۱۷، بند ۱، س ۳۴، ۲)

در این کتاب، عدم رعایت فاصله‌گذاری به‌ویژه در ترکیبات، بیش از موارد دیگر مشاهده

می‌شود. مؤلف در صفحه ۱۳ کتاب چنین اظهار داشته که اصلاحات ذکر شده در نامه ایشان موجب کارآمد شدن دستور خط نمی‌شود. این دستور خط نیازمند بازنویسی است. وی، برای ترکیبات، قاعده‌ای را پیشنهاد کرده است به شرح زیر، که مبنای اصلی آن هجاهای واژه است: «واژه‌های مرکب دوهجایی — به جز در موارد مشخص — چسبیده نوشته می‌شوند. واژه‌های مرکب چندهجایی — به جز موارد مشخص — جدا نوشته می‌شوند». اما همچنان «موارد مشخص» یا به عبارتی استثناهای این قاعده هم کم نیست. در ضمن، همان‌گونه که پیش از این شرح آن از نظر گذشت، بسیاری از قواعد آن دست‌وپاگیر است.

به هر حال بر اهل نظر و اصحاب قلم پوشیده نیست که در حوزه رسم الخط فارسی تا چه اندازه اختلاف سلیقه و مشرب وجود دارد؛ از این رو، شاید دستیابی به شیوه‌ای در نگارش خط فارسی که مورد قبول همگان باشد و به صورت تامّ و تمام پذیرفته شود به راحتی میسر نباشد. با توجه به این مسئله، گرچه ممکن است برخی قواعد و اصول دستور خط فارسی فرهنگستان به مذاق برخی صاحب‌نظران خوش نیاید، برای دستیابی به دستور خطی واحد، بهتر است که این شیوه‌نامه با اعمال برخی اصلاحات پذیرفته شود تا در نوشتار نمود عملی یابد.

منابع

- ادیب سلطانی، میرشمس‌الدین (۱۳۷۸)، درآمدی بر چگونگی شیوه خط فارسی، تهران: امیرکبیر.
رضازاده ملک، رحیم (۱۳۸۰)، تبیین و تدوین قواعد املائی فارسی، تهران: گلرنگ یکتا.
سرمستانی، جمشید (۱۳۹۰)، قواعد جامع املائی فارسی، تهران: سرمستان.
سمیعی گیلانی، احمد (۱۳۷۹)، نگارش و ویرایش، تهران: سمت.
شعار، جعفر (۱۳۵۵)، پژوهشی در دستور فارسی، تهران: چاپخانه دانشگاه تربیت معلم.
_____ (۱۳۷۵)، شیوه خط معیار، تهران: احیا.
غلامحسین زاده، غلامحسین (۱۳۷۹)، راهنمای ویرایش، تهران: سمت.
فرشیدورد، خسرو (۱۳۷۵)، املاء، نشانه‌گذاری، ویرایش، چاپ دوم، تهران: صفی‌علیشاه.
کشانی، خسرو (۱۳۷۱)، اشتقاق پسوندی در زبان فارسی امروز، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- مجدد، امید (۱۳۸۴)، خط فارسی و نقد آن، همراه با: نقد دستور خط فرهنگستان زبان و ادب فارسی و کتاب‌های آموزش و پرورش، تهران: چاپخانه کاج.
- مؤسسه انتشارات امیرکبیر (۱۳۷۳)، شیوه‌نامه نگارش، نقطه‌گذاری، پانویس، کتاب‌شناسی، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- مدرس صادقی، جعفر (۱۳۹۱)، اندر آداب نوشتار، چاپ دوم، تهران: نشر مرکز.
- مقربی، مصطفی (۱۳۷۵)، هژده‌گفتار، تهران: توس.
- معین، محمد (۱۳۴۷)، فرهنگ فارسی، ج ۴، تهران: امیرکبیر.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۰)، غلط‌نویسیم، چاپ سوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- نیساری، سلیم (۱۳۷۴)، دستور خط فارسی: پژوهشی درباره پیوستگی خط فارسی و زبان فارسی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- یاحقی، محمدجعفر و محمد مهدی ناصح (۱۳۷۴)، راهنمای نگارش و ویرایش، چاپ سیزدهم، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی